



Challenges and Requirements for Determining Location in Metaverse Contracts with a Look at E-Commerce Laws

Neda Mohammadi¹, Saeed Kheradmandi^{2*}, Javad pourkarami³

- 1. Department of Private Law, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.
- 2. Department of Private Law, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.
- 3. Department of Private Law, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages:117-133

Article history:

Received: 27 Dec 2024

Edition:19 Mar 2025

Accepted: 30 Apr 2025

Published online: 28 Mar 2026

Keywords:

Metaverse, Location of Contract Formation, Digital Contracts, E-Commerce, Digital Rights, party Autonomy, Data Messages, International Rules.

Corresponding Author:

Saeed Kheradmandi

Address:

Iran, Kermanshah, Islamic Azad University, Kermanshah Branch, Department of Private Law.

Orchid Code:

0000-0002-5098-5181

Tel:

09120352673

Email:

saeid.kheradmandy@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aims: The metaverse, as an advanced and innovative virtual space, utilizes modern technologies such as virtual reality and augmented reality to facilitate economic and social interactions in a three-dimensional and realistic manner.

Materials and Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

Ethical Considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Findings: The findings of the present study show that this digital environment allows users to participate in the virtual world using their avatars and engage in various activities, including conducting financial transactions and signing digital contracts.

Conclusion: According to existing legal provisions, especially Article 29 of the Iranian Electronic Commerce Law and international laws, the place of sending and receiving the message data is considered as the basis for determining the place of conclusion of the contract. Also, the issue of "public order" and "good morals" is of particular importance as key requirements in determining the validity of contracts.

Cite this article as:

Mohammadi, N; Kheradmandi, S; Pourkarami, J. *Challenges and Requirements for Determining Location in Metaverse Contracts with a Look at E-Commerce Laws*. Economic Jurisprudence Studies. 2026.



چالش‌ها و الزامات تعیین مکان در قراردادهای متاورس با نگاهی به قوانین تجارت الکترونیک

ندا محمدی^۱، سعید خردمندی^{۲*}، جواد پورکریمی^۳

۱. گروه حقوق خصوصی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

۲- گروه حقوق خصوصی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

۳. گروه حقوق خصوصی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: متاورس به‌عنوان یک فضای مجازی پیشرفته و نوآورانه، با بهره‌گیری از فناوری‌های مدرن نظیر واقعیت مجازی و واقعیت افزوده، امکان برقراری تعاملات اقتصادی و اجتماعی را به‌صورت سه‌بعدی و واقعی فراهم می‌آورد.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که، این محیط دیجیتال به کاربران این امکان را می‌دهد که با استفاده از آواتارهای خود در دنیای مجازی شرکت کنند و به فعالیت‌های مختلف از جمله انجام معاملات مالی و امضای قراردادهای دیجیتال بپردازند.

نتیجه: با توجه به مواد قانونی موجود، به‌ویژه ماده ۲۹ قانون تجارت الکترونیکی ایران و قوانین بین‌المللی، مکان ارسال و دریافت داده‌های پیام، به‌عنوان اساس تعیین مکان انعقاد قرارداد، برآورده می‌شود. همچنین، مسأله «نظم عمومی» و «اخلاق حسنه» به‌عنوان الزامات کلیدی در تعیین اعتبار قراردادهای مهمیت ویژه‌ای دارد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۱۷-۱۳۳

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۰۷

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۲/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۰۸

واژگان کلیدی:

متاورس، مکان انعقاد قرارداد، قراردادهای دیجیتال، تجارت الکترونیک، حقوق دیجیتال، اراده طرفین، داده پیام، قواعد بین‌المللی.

نویسنده مسئول:

سعید خردمندی

آدرس پستی:

ایران، کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمانشاه، گروه حقوق خصوصی.

تلفن:

09120352673

کد ارکید:

0000-0002-5098-5181

پست الکترونیک:

saeid.kheradmandy@gmail.com

۱. مقدمه

در دهه‌های اخیر، ورود به عصر دیجیتال و توسعه فناوری‌های نوین از جمله واقعیت مجازی و واقعیت افزوده، مفهوم متاورس را به یکی از حوزه‌های حیاتی در عرصه فناوری، تجارت و حقوق تبدیل کرده است. متاورس جهان پسا واقعیت است، یک محیط چند کاربره دائمی و پایدار که واقعیت فیزیکی را با مجازی دیجیتال ادغام می‌کند (Akour and others, 2024, 486). متاورس به‌عنوان یک فضای مجازی چندبعدی، به کاربران این امکان را می‌دهد که با استفاده از آواتارهای دیجیتالی خود، به تعاملات اقتصادی و اجتماعی در محیطی مجازی دست بزنند. آواتار نمایش مجازی کاربران در فضای مجازی است که از طریق آن امکان کاوش سناریوهای دیجیتالی متنوع وجود دارد. آواتارها امکان تعامل را فراهم می‌کنند که همکاری، بازی، برقراری ارتباط و انجام فعالیت‌های اوقات فراغت یا کاری را تسهیل می‌کند (Lam and others, 2024, 3). همچنین کاربران می‌توانند در متاورس دارایی‌ها داشته باشند و سپس از طریق معاملات دارایی سود کسب کنند (Kalyvaki, 2023, 1). با توجه به این ویژگی، انعقاد قراردادهای دیجیتال در متاورس به یک روند مهم تبدیل شده است و این موضوع پرسش‌های مهمی را در زمینه تأثیرات حقوقی و الزامات مربوط به مکان انعقاد قراردادها به وجود آورده است. آیا مکان قرارداد هنوز هم در دنیای دیجیتال مفهومی معتبر و کارآمد است؟ و چگونه می‌توان مکان انعقاد قراردادها را در شرایطی که طرفین در مکان‌ها و کشورهای مختلف قرار دارند، شناسایی کرد؟ در این پژوهش به بررسی این چالش‌های اساسی و الزامات تعیین مکان در قراردادهای متاورس

پرداخته خواهد شد. تحقیق حاضر به‌ویژه بر روی قوانین تجارت الکترونیک و قواعد حاکم در این زمینه تمرکز دارد و به تحلیل چالش‌ها و محتوای قانونی مربوط به تعیین مکان انعقاد قراردادهای دیجیتال می‌پردازد. از آنجا که مکان انعقاد قرارداد به‌عنوان یک معیار کلیدی در تعیین صلاحیت دادگاه‌ها و قوانین حاکم بر روابط تجاری شناخته می‌شود (غضنفری و ملکی، ۱۴۰۰، ص ۸۷)، درک این مفهوم در متاورس از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بنابراین، با توجه به عدم وجود قوانین خاص و منظمی در این حوزه، این پژوهش به دنبال ارائه راهکارهایی جهت تسهیل فرآیند انعقاد قراردادهای در دنیای دیجیتال و حفظ حقوق طرفین قراردادهای خواهد بود.

مقالات و پژوهش‌های موجود در این زمینه، تا حد زیادی به بررسی ابعاد حقوقی و نظری مکان انعقاد قرارداد در بستر دیجیتال پرداخته‌اند، اما هنوز نیاز به ارائه چارچوبی قانونی و جامع برای تعیین مکان در قراردادهای متاورس وجود دارد. این امر نه تنها به لحاظ نظری به غنای ادبیات حقوقی کمک خواهد کرد، بلکه از نظر عملی نیز برای وضع قوانین منطبق با شرایط نوین اجتماعی، اقتصادی امری ضروری است. در نتیجه، این پژوهش به‌عنوان گام اولیه‌ای در راستای شفاف‌سازی ابعاد حقوقی قراردادهای منعقد در متاورس و ارائه راهکارهای قانونی برای حفظ حقوق طرفین در این فضا صورت می‌پذیرد. با توجه به پیشرفت‌های روزافزون در حوزه متاورس و فناوری‌های نوین، تدوین قواعد روشن و شفاف جهت تعیین مکان قراردادهای در بستر دیجیتال به‌عنوان نیاز اساسی در آینده‌ای نزدیک اهمیت می‌یابد. بدین منظور، در ادامه به تحلیل ابعاد

۵-۱-۱. مکان ارسال داده پیام

در عصر دیجیتال و به‌خصوص در فضای متاورس، فهم دقیق مکان ارسال داده پیام‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (Goldberg, 2024, 745). تصمیمات قانونی در این زمینه نه تنها بر اساس مکان جغرافیایی، بلکه بر اساس متغیرهای تجاری و عملیاتی استوار است. به همین دلیل، قانون تجارت الکترونیکی ایران در ماده ۲۹ به بررسی و تعیین مکان ارسال داده پیام پرداخته است که می‌تواند به عنوان یک مبنای قانونی مهم در قراردادهای متاورس نیز مورد استفاده قرار گیرد. این ماده، مبنای روشنی برای شناسایی و تفکیک مکان ارسال و دریافت داده‌های پیام در دورانی که تبادل اطلاعات از طریق بسترهای الکترونیکی صورت می‌گیرد، فراهم می‌کند.

مکان ارسال داده پیام در قراردادهای الکترونیکی معمولاً به محل تجاری یا محل کار شخصی که پیام را تولید یا ارسال کرده است، وابسته است. این بدان معناست که هنگام ارسال داده، محل کار فرستنده معیار اصلی برای تعیین مکان ارسال به حساب می‌آید. به همین طریق، محل دریافت داده پیام نیز وابسته به محل تجاری یا کاری مخاطب است. در واقع، اگر فرستنده یا گیرنده بیش از یک محل تجاری یا کاری داشته باشند، تعیین نزدیک‌ترین محل به معاملاتی که انجام می‌دهند، نقش محوری در تعیین مکان پیام خواهد داشت (قیاسی‌فر و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۱۳۶).

طبق ماده ۲۹ قانون تجارت الکترونیکی ایران، «اگر محل استقرار سیستم اطلاعاتی با محل استقرار دریافت داده پیام مختلف باشد، مطابق قاعده زیر عمل می‌شود:

الف) محل تجاری یا کاری فرستنده، محل ارسال داده پیام است و محل تجاری یا کاری گیرنده،

مختلف این چالش و ارائه پیشنهادات کلیدی در راستای بهبود وضعیت موجود خواهیم پرداخت.

۲. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی تحلیل است. از روش کتابخانه‌ای به منظور جمع‌آوری داده‌ها و مطالب در این تحقیق استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در مراحل مختلف نگارش این مقاله، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌ها حاکی از آن است که محیط متاورس به کاربران این امکان را می‌دهد که با استفاده از آواتارهای خود در دنیای مجازی شرکت کنند و به فعالیت‌های مختلف از جمله انجام معاملات مالی و امضای قراردادهای دیجیتال بپردازند.

۵. بحث

۵-۱-۱. تعیین مکان از دیدگاه قوانین حوزه تجارت

تعیین مکان در دنیای دیجیتال و به‌خصوص در قراردادهای متاورس به‌طور مستقیم تحت تأثیر نحوه ارسال و دریافت داده‌ها قرار دارد (Goldberg, 2024, 730). دادگاه‌ها باید با استناد به قواعد مشخصی در زمینه ارسال و دریافت پیام، زمان کان انعقاد قراردادها را شناسایی کنند. برای این منظور، توجه به قواعد ارتباطات الکترونیکی و تأثیر آن‌ها بر اعتبار قراردادها حائز اهمیت است. قوانین مربوط به مکان ارسال و دریافت داده‌ها می‌تواند به‌عنوان معیارهایی برای ارزیابی صحت و اعتبار قراردادها عمل کند. به‌ویژه در صورت بروز اختلاف، دادگاه‌ها ممکن است مکان ارسال پیام را به‌عنوان نقطه شروع بررسی اختلاف‌ها مدنظر قرار دهند.

محل دریافت داده پیام است مگر آنکه بین طرفین توافقی خلاف این امر وجود داشته باشد. (ب) اگر فرستنده بیش از یک محل تجاری داشته باشد، نزدیکترین محل به اصل معامله ملاک عمل خواهد بود.

(ج) اگر فرستنده یا گیرنده فاقد محل تجاری باشند، اقامتگاه قانونی آنها ملاک خواهد بود»

این ماده به وضوح بیان می‌کند که در صورت وجود بیش از یک محل تجاری، باید نزدیکترین محل به قرارداد و تبادلات تجاری ملاک قرار گیرد. این رویکرد در دنیای متاورس به ویژه اهمیت دارد، زیرا در این فضا، طرفین ممکن است در مکان‌های فیزیکی مختلف و حتی در نقاط متفاوت جغرافیایی قرار داشته باشند (Ning and others, 2021, 12). بنابراین، تعریف دقیق محل ارسال داده پیام در این فضا نقش خاصی در حفظ حقوق طرفین قرارداد دارد و از بروز مشکلات در تعیین محل قرارداد جلوگیری می‌کند. در وضعیت‌هایی که فرستنده یا گیرنده فاقد محل تجاری یا کاری هستند، اقامتگاه قانونی آنها باید ملاک عمل قرار گیرد. این مسئله به‌ویژه در مورد افرادی که فعالیت تجاری خود را بدون داشتن یک محل ثابت انجام می‌دهند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

بسیاری از حقوقدانان به نکات ظریفی در مورد ماده ۲۹ اشاره کرده‌اند. به عنوان مثال، نقص در ترجمه و تفسیر بندهای قانونی می‌تواند آثار عمیقی بر اجرای این مفاد داشته باشد. در این راستا، به‌عنوان نکته‌ای قابل تأمل، اعتبار نزدیکترین محل به "اصل معامله" که در بند «ب» آمده، می‌تواند خطاهایی را در تعیین دقیق مکان ارسال ایجاد کند (دیلفون، زویه، ۱۳۹۶، ص ۱۱۱). از نظر نویسندگان در این حوزه، به‌جای

عبارت "اصل معامله" می‌توان از "معامله اصلی" استفاده کرد تا ابهامات موجود در مورد چند معامله مختلف را مرتفع سازد (حبیب‌زاده، طاهر، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۲۸۴). با استفاده از عبارت "معامله اصلی"، می‌توان به وضوح اشاره کرد که منظور کدام معامله خاص است. این امر می‌تواند شامل معیاری برای تعیین اینکه کدام یک معاملات دارای اهمیت بیشتری است یا کدام یک اولین معامله‌ای بوده که بین طرفین انجام شده است. همچنین در قراردادهای متاورس که در آن‌ها روابط تجاری به‌صورت دیجیتالی و از طریق پلتفرم‌های مختلفی انجام می‌شود می‌توان معیارهای مشخصی برای تعیین "معامله اصلی" ارائه کرد. این معیارها می‌تواند شامل تاریخ انجام معامله، ارزش مالی معامله و شرایط خاص قرارداد باشد. با مشخص کردن این معیارها، طرفین قرارداد می‌توانند به راحتی تشخیص دهند که کدام معامله باید به عنوان "معامله اصلی" در نظر گرفته شود و از ابهامات موجود جلوگیری کنند. یا اینکه طرفین قرارداد می‌توانند در توافق‌نامه‌های خود به صراحت تعیین کنند که کدام یک از معاملات باید به عنوان "معامله اصلی" شناخته شود. در دنیای متاورس، جایی که ارتباطات و تراکنش‌ها عمدتاً به‌صورت مجازی انجام می‌شود، توجه و تعریف دقیق مکان‌های تجاری و نحوه فعالیت کارفرمایان و کارمندان می‌تواند به کاهش احتمال بروز اختلافات کمک کند و شفافیت بیشتری را در فرآیندهای تجاری ایجاد نماید. با این رویکرد، حقوق طرفین بهتر حفظ خواهد شد و فرآیندهای قانونی مرتبط با ارسال داده پیام تسهیل خواهد شد. همچنین برخی از حقوقدانان بر این باورند که نشانگرهای الکترونیکی و نام دامنه‌ها نمی‌تواند به‌تنهایی به‌عنوان معیاری برای

دریافت پیام به‌عنوان یک چالش مهم مطرح می‌شود.

در قانون تجارت الکترونیکی ایران، به‌خصوص در مورد زمان و مکان تشکیل قرارداد، مقررات خاصی وجود ندارد. اما می‌توان از قواعد عمومی قراردادهای برای تعیین این موارد استفاده کرد. طبق اصول عمومی، ایجاب زمانی معتبر و ارسال شده تلقی می‌شود که داده پیام از سیستم رایانه‌ای فرستنده خارج شود و به محض ورود به سیستم رایانه‌ای مخاطب، ایجاب از طرف مخاطب نیز معتبر محسوب می‌شود. در نهایت، زمان تشکیل قرارداد به لحاظ عملی، لحظه‌ای است که داده پیام حاوی قبولی از طرف مخاطب ارسال می‌شود. (کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۲، ص ۳۵۴؛ شهیدی، مهدی، ۱۳۹۶، ص ۱۵۳).

قانون تجارت الکترونیکی ایران در ماده ۲۹، سازوکاری را برای تعیین مکان ارسال و دریافت داده پیام‌ها پیش‌بینی کرده است:

۱- مکان ارسال: محل تجاری یا کاری اصل ساز (فرستنده) محسوب می‌شود.

۲- مکان دریافت: محل تجاری یا کاری مخاطب (گیرنده) است مگر آنکه طرفین به‌طور مشخص توافق دیگری کرده باشند.

همچنین اگر فرستنده یا گیرنده بیش از یک محل تجاری داشته باشند، نزدیک‌ترین محل به اصل معامله ملاک عمل خواهد بود. در صورتی که هیچ‌یک از طرفین محل تجاری نداشته باشند، اقامتگاه قانونی آن‌ها ملاک نظر قرار خواهد گرفت. این رویکرد به‌ویژه در دنیای متاورس اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، جایی که سرنوشت قراردادهای و تبادل داده‌ها ممکن است تحت تأثیر فاصله‌های جغرافیایی و فیزیکی قرار گیرد.

تعیین محل تجاری تلقی شوند، بلکه باید به سایر مؤلفه‌ها نظیر اقامتگاه و ارتباطات واقعی نیز توجه شود (محمدی، مرتضی، ۱۳۸۹، ص ۲۸۰).

مکان ارسال داده پیام یکی از ارکان کلیدی در قراردادهای الکترونیکی است که تعیین صحیح آن موجب تقویت حقوق طرفین قرارداد و کاهش احتمال بروز اختلافات حقوقی خواهد شد. با توجه به ویژگی‌های خاص متاورس و تعاملات الکترونیکی، ضروری است قوانین و مقررات موجود در این زمینه، به‌ویژه ماده ۲۹ قانون تجارت الکترونیکی ایران، به‌عنوان ابزاری برای شفاف‌سازی و تسهیل فرآیندهای تجاری بررسی و تقویت شوند.

۵-۲. مکان دریافت داده پیام

یکی از مسائل اساسی در حوزه تجارت الکترونیکی، تعیین دقیق مکان دریافت داده پیام‌ها است. این موضوع نه تنها بر نحوه تبادل اطلاعات تأثیر می‌گذارد، بلکه به اعتبار قراردادهای الکترونیکی نیز مرتبط است. بر اساس بند «الف» از ماده ۲۹ قانون تجارت الکترونیکی ایران، مکان دریافت داده پیام‌ها به‌صراحت محل تجاری یا کاری مخاطب داده پیام‌ها تعیین شده است. به عبارتی، به‌منظور تعیین مکان دریافت، محل تجاری یا کاری شخصی که پیام به او ارسال می‌شود در نظر گرفته می‌شود. در واقع، هرگاه داده پیام توسط فرستنده ارسال می‌شود، در صورتی که مخاطب بیش از یک محل تجاری داشته باشد، باید نزدیک‌ترین محل به معامله اصلی ملاک قرار گیرد. (قیاسی فر و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۱۳۶). از این رو، در قراردادهای متاورس که در آن ممکن است جغرافیای واقعی با فرایندهای مجازی تلاقی کند، تعیین مکان

طرفین باید در حین انعقاد قرارداد به دقت مقررات و شرایطی که در تعیین مکان دریافت و ارسال داده‌های پیام اثرگذار هستند را در حین انعقاد قرارداد لحاظ کنند. در دنیای متاورس، با شفاف‌سازی نقاط ضعف و ابهامات قانونی موجود، می‌توان از بروز اختلافات غیرضروری جلوگیری کرد و فضای تجاری امن‌تری را برای تعاملات الکترونیکی فراهم نمود.

۵-۲. آثار و فواید تعیین مکان در انعقاد قرارداد

شناسایی مکان انعقاد قرارداد از جنبه‌های نظری و عملی دارای اهمیت فراوانی است. در زیر، به برخی از این مزایا اشاره می‌شود:

۵-۲-۱. تعیین دادگاه صالح در دعاوی قراردادی

تعیین مکان انعقاد قرارداد به‌عنوان یک مسأله اساسی در حقوق قراردادهای، به‌ویژه در دعاوی ناشی از قراردادهای الکترونیکی و دنیای متاورس، اهمیت ویژه‌ای دارد. مکان تشکیل عقد به‌طور مستقیم بر شناسایی دادگاه صالح برای رسیدگی به این دعاوی تأثیر می‌گذارد. در دنیای متاورس، با توجه به اینکه قراردادهای معمولاً در فضایی دیجیتال و بدون مرز منعقد می‌شوند جهان‌های مجازی و جوامع آنلاین می‌توانند از مرزهای بین‌المللی عبور کرده و سیستم‌های حقوقی متعددی را درگیر کنند. (کالیوکی، ماریا، ۲۰۲۳، ص ۸۹) این امر چالش‌هایی برای تعیین صلاحیت محلی دادگاه‌ها ایجاد می‌کند. (Chester, 2022, 471-472) صلاحیت محلی دادگاه‌ها بر مبنای چندین عامل مشخص تعیین می‌شود، که شامل مواردی مانند اقامتگاه، محل سکونت، محل وقوع مال (اعم از منقول یا غیرمنقول)، محل تنظیم

با پیشرفت فناوری و ایجاد فضای متاورس، چالش‌ها و سؤالات جدیدی پیرامون مفهوم مکان دریافت پیام‌ها بوجود آمده است. قوانین تجارت الکترونیکی مشابه سایر نظام‌های حقوقی، بر این اصول تأکید دارند که مکان تجارت نشان‌دهنده ارتباط منطقی بین طرفین و فرآیند ارسال داده پیام است. هرچند که مکان تجارت کارآمدتر از تعیین مکان واقعی بر مبنای محل استقرار سیستم‌های اطلاعاتی به نظر می‌رسد، اما ممکن است در برخی موارد چالش‌هایی را ایجاد کند. (Chester, 2022, 484) به عنوان مثال، زمانی که اطلاعات در بستر یک سیستم اطلاعاتی چندملیتی انتقال می‌یابد، تعیین مکان دقیق به‌سختی میسر می‌شود (حبیب‌زاده، طاهر، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۲۹۱).

کنوانسیون‌های بین‌المللی، از جمله کنوانسیون ارتباطات الکترونیکی نیز به‌طور مشابه به بررسی مفهوم مکان دریافت پیام پرداخته‌اند. بر اساس این کنوانسیون، فرض بر این است که ارتباط الکترونیکی در مکانی دریافت می‌شود که محل تجارت مخاطب در آن واقع است. این بدان معناست که نه تنها باید به محل تجاری توجه شود، بلکه ساختارهای نظارتی نیز باید به ملاحظات خاص حقوقی و بین‌المللی توجه کنند (لینان دلفون، زویه، ۱۳۹۶، ص ۱۱۳).

پیشرفت‌های تکنولوژیکی و رشد سریع تجارت الکترونیکی، تأکید بر اهمیت تعیین مکان دریافت داده پیام‌ها را دوچندان کرده است. با تأکید بر ماده ۲۹ قانون تجارت الکترونیکی ایران، می‌توان گفت که قانون‌گذاران با فراموش نکردن نیاز به تعیین مکان و وضع مقررات مرتبط، سعی در حفظ حقوق طرفین قراردادهای و تسهیل فرآیندهای تجاری داشته‌اند. به همین ترتیب،

ماده‌ای که در حقوق ایران به صلاحیت عمومی محاکم اشاره دارد، ماده ۹۷۱ قانون مدنی است که بیان می‌کند: «دعاوی از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجع به اصول محاکمات تابع قانون محلی خواهد بود که در آنجا اقامه می‌شود. مطرح بودن همان دعوا در محکمه اجنبی رافع صلاحیت محکمه ایرانی نخواهد بود» (کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۱، ص ۵۸۲). این بدان معناست که به هر حال صلاحیت محاکم ایرانی در مواجهه با دعاوی خارجی باید اعمال شود.

حقوقدانان در این زمینه دارای نظرات مختلفی هستند. برخی معتقدند که فقدان مقررات دقیق و جامع در خصوص صلاحیت بین‌المللی، یک خلأ جدی در رسیدگی به دعاوی بین‌المللی ایجاد کرده است و بنابراین وضع قوانین جدید در این زمینه ضروری است. آن‌ها بر این باورند که با توجه به توسعه روزافزون تجارت الکترونیک، نظام حقوقی ایران باید خود را با چالش‌ها و تغییرات جهانی سازگار کند تا از تضییع حقوق طرفین جلوگیری نماید. در مقابل، تعدادی از حقوقدانان دیگر بر این باورند که مقررات موجود می‌توانند به خوبی در تعیین صلاحیت دادگاه‌ها مؤثر باشند و نیازی به تغییرات اساسی نیست. به عبارتی، آن‌ها معتقدند با توجه به تفاسیر صحیح و کارآمد می‌توان به کارایی این قوانین در عمل افزود.

بنابراین، در راستای شفاف‌سازی صلاحیت قضایی بین‌المللی در دعاوی قراردادی و اجرای آن در حقوق ایران، نیاز به توجه و عمل جدی وجود دارد. قوانین موجود، به تنهایی قادر به پاسخ‌دهی به چالش‌های جدید نیستند و بنابراین نیاز به سازوکارهای کارآمدتری در زمینه حقوقدانان و مقامات قانونی موضوعی ضروری است. در دنیای متاورس، این موضوع به‌ویژه حیاتی است و باید

سند، محل انعقاد قرارداد و محل اجرای قرارداد است (مواد ۱۱ تا ۲۵ آئین دادرسی مدنی). ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی به‌وضوح تعیین می‌کند: «دعوا باید در دادگاهی اقامه شود که خوانده در حوزه قضایی آن اقامت دارد. اگر خوانده در ایران اقامت نداشته باشد، در صورتی که در ایران محل سکونت موقت داشته باشد، در دادگاه همان محل باید اقامه گردد و هرگاه در ایران اقامتگاه و یا محل سکونت موقت نداشته باشد، لیکن مال غیرمنقولی داشته باشد، دعوا در دادگاه اقامه می‌گردد که مال غیرمنقول در حوزه آن واقع است». این ماده نشان‌دهنده اصل کلی در تعیین صلاحیت محلی است که در محیط متاورس ممکن است با چالش‌های جدید مواجه شود.

با توجه به تحولات سریع در زمینه تجارت الکترونیک و دنیای متاورس، ضرورت وضع قوانین جدید با تمرکز بیشتری بر تعیین صلاحیت قضایی در قراردادهای الکترونیکی احساس می‌شود. فضای مجازی نیازمند حقوق و مقررات ویژه‌ای است که بتواند از حقوق طرفین در قراردادهای دیجیتالی به‌طور کامل حمایت کند. آیین دادرسی مدنی به‌خاطر ایجاد چارچوبی شفاف برای تعیین صلاحیت در دعاوی قراردادی، می‌تواند نقشی محوری ایفا کند؛ با این حال، باید توجه داشت که باید قوانین جدیدی بر مبنای اصول حقوقی توافق شده، ایجاد شود تا با فضای امروز تکنولوژی همخوانی داشته باشد.

هنگامی که دعوا در دادگاه‌های ایران مطرح می‌شود، یکی از مسائل کلیدی تعیین صلاحیت قضایی بین‌المللی است. قاضی ایرانی باید به قواعد موجود در نظام حقوقی ایران جهت تعیین صلاحیت قضایی خارج از مرزها مراجعه کند. تنها

توجه بیشتری به تطبیق قوانین با واقعیت‌های دیجیتال معطوف شود.

در حال حاضر، قوانین مربوط به صلاحیت قضایی در متاورس هنوز در حال توسعه است، اما چندین قانون موجود می‌توانند چارچوبی برای تعیین صلاحیت در جهان‌های مجازی فراهم کنند. به عنوان نمونه، مقررات بروکسل (مقررات (EU) شماره ۲۰۱۲/۱۲۱۵) در اتحادیه اروپا و قانون صلاحیت دادگاه‌های فدرال و شفاف‌سازی محل برگزاری در سال ۲۰۱۱ در ایالات متحده، قواعدی برای تعیین صلاحیت در اختلافات بین‌المللی ارائه می‌دهند. همچنین، کنوانسیون جرایم سایبری (که به کنوانسیون بوداپست نیز شناخته می‌شود) که توسط شورای اروپا تصویب شده، چارچوبی برای همکاری بین‌المللی در تحقیق و تعقیب جرایم سایبری را فراهم می‌سازد. یک مثال مشخص از صلاحیت قضایی در متاورس، پرونده *Bragg v. Linden Research, Inc.* است. در این مورد، دادگاه منطقه‌ای ایالات متحده برای ناحیه شرقی پنسیلوانیا باید تعیین می‌کرد که آیا صلاحیت رسیدگی به اختلافات مربوط به املاک مجازی در دنیای آنلاین *Second Life* را دارد یا خیر. دادگاه در نهایت به این نتیجه رسید که صلاحیت رسیدگی به این پرونده را دارد، زیرا طرفین در ایالت‌های مختلف واقع شده و دارایی مجازی مورد بحث دارای ارزش پولی است. (کالیوکی، ماریا، ۲۰۲۳، ص ۸۹)

۵-۲-۲. تعیین قانون حاکم

مکان وقوع انعقاد قرارداد یکی از عوامل مهم در تعیین قانون حاکم بر آن است. بر اساس ماده ۹۶۸ قانون مدنی ایران، «تعهدات ناشی از حقوق تابع قانون محل وقوع عقد است مگر اینکه متعاملین اتباع خارجه بوده و آن را صریحاً یا

ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند». این ماده اهمیت تعیین محل انعقاد قرارداد را در حقوق بین‌الملل خصوصی مشخص می‌کند، زیرا در صورت وقوع ایجاب و قبول در دو کشور مختلف، محل انعقاد تبدیل به عاملی اساسی در تعیین قانون حاکم می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۳۶۷). در قراردادهای الکترونیکی، به خصوص در زمینه قراردادهای متاورس که به واسطه بسترهای دیجیتال و بدون حضور فیزیکی طرفین انجام می‌پذیرد، تحلیل و تعریف محل انعقاد با چالش‌های بیشتری مواجه می‌شوند. نظریات مختلفی نظیر نظریه اعلان، ارسال، و وصول در این زمینه وجود دارد که به تعیین محل انعقاد کمک می‌کنند. برای مثال، در سیستم‌های حقوقی مختلف، تفاسیر متفاوتی از زمان وقوع قرارداد وجود دارد که به‌طور مستقیم بر انتخاب قانون حاکم تأثیر می‌گذارد. در مواردی که طرفین قرارداد مکان خاصی را برای انعقاد انتخاب ننموده‌اند، قانونگذار باید بر اساس عواملی همچون محل تجارت (Biasi and Murgo, 2023, 4)، اقامت طرفین، و مکان اجرای قرارداد قانون مربوطه را تعیین نماید (مافی، ۱۳۹۸، ص ۱۵۸). به‌عنوان نمونه، در کنوانسیون‌هایی مانند کنوانسیون راجع به قانون اعمال بر قراردادهای بیع بین‌المللی کالا، قانون حاکم بر قرارداد به مکان تجارت طرفین مرتبط می‌شود. مطابق ماده ۸ این کنوانسیون، اگر طرفین قانونی را انتخاب نکرده باشند، تطبیق قانون با محل تجارت فروشنده انجام می‌گیرد. ایالات متحده نیز در این زمینه مجموعه‌ای از رویکردها را در دو دوره پیش و پس از تصویب «قانون متحدالشکل معاملات اطلاعاتی کامپیوتری» در سال ۱۹۹۹ در پیش گرفته است. این قانون به‌ویژه به موضوع انتخاب

این ملاحظات توجه کنند. در این راستا، بررسی محدودیت‌های قانونی که بر اجرای قراردادهای متاورس تأثیر می‌گذارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این محدودیت‌ها معمولاً به تشخیص قاضی بستگی دارد و می‌تواند تحت تأثیر شرایط خاص هر پرونده قرار گیرد (السان، مصطفی، ۱۳۹۲، ۱۵۷).

۵-۲-۳-۱. نظم عمومی و اخلاق حسنه

در نظام‌های حقوقی مختلف، از جمله حقوق ایران، مبحث «نظم عمومی» و «اخلاق حسنه» به عنوان اصول بنیادی در تعیین قانون حاکم بر قراردادها و به‌ویژه قراردادهای الکترونیکی و متاورس مورد توجه قرار گرفته است. این اصول نه تنها بر اعتبار قراردادها تأثیر می‌گذارند، بلکه ممکن است منجر به عدم اجرای برخی قوانین مندرج در قراردادهای متاورس نیز شوند. یکی از مواد قانونی مهم در این زمینه، ماده ۹۷۵ قانون مدنی است که به وضوح نحوه تعامل قوانین خارجی و قراردادهای خصوصی را با این اصول معرفی می‌کند.

نظم عمومی به مجموعه قواعدی اطلاق می‌شود که به حفظ منافع عمومی و جلوگیری از آسیب به ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه کمک می‌کند. اخلاق حسنه نیز به معانی پسندیده و مناسب رفتار اجتماعی اشاره دارد. در بسیاری از کشورها، از جمله ایران، هر دو مفهوم به‌عنوان معیارهایی برای سالم‌سازی روابط حقوقی و جلوگیری از خسونت و بی‌اخلاقی عمل می‌کنند.

ماده ۹۷۵ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران صراحتاً به عدم اجرای قوانین خارجی و قراردادهای خصوصی که با اخلاق حسنه در تضاد هستند پرداخته و مقرر می‌دارد: «محکمه نمی‌تواند قوانین خارجی و قراردادهای خصوصی را

قانون حاکم توجه دارد و اجازه می‌دهد تا طرفین قراردادی را که نزدیک‌ترین ارتباط را با موضوع و مفاد قرارداد دارد، به‌عنوان قانون حاکم پذیرش نمایند. ماده ۱۰۹ این قانون به‌وضوح می‌گوید که طرفین آزاد هستند انتخاب‌های خود را در این باره انجام دهند و محدودیت‌های این امر غیرمعتبر محسوب می‌شوند. (برن، ۲۰۲۰، ص ۶۶۵)

تعیین قانون حاکم بر قراردادها در حقوق بین‌الملل خصوصی به ویژه در زمینه قراردادهای دیجیتال و متاورس چالش‌برانگیز است. برای حل این چالش‌ها، قانون‌گذاران در کشورهای مختلف نیاز به اتخاذ رویکردهای مناسب دارند. شفافیت در نحوه تعیین قانون حاکم بر اساس محل انعقاد و در نظر گرفتن بسترهای دیجیتال ضروری است. به‌ویژه، در دنیای متاورس، جایی که هوش مصنوعی و فناوری‌های جدید در تعاملات تجاری حضور دارند، نیاز به تطبیق قوانین و قواعد موجود با واقعیات این فضا روز به روز احساس می‌شود. با این تفاسیر، حفظ تعادل بین مطابقت با قوانین حاکم و حق انتخاب آزادی طرفین ضرورتی است که نه تنها به تعدیل روابط اقتصادی بین‌المللی کمک می‌کند، بلکه برای تحقق عدالت و قضاوت عادلانه در دعاوی فرامرزی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. به همین دلیل، بررسی‌های عمیق‌تر و تطبیقی در این زمینه می‌تواند راهگشای جدیدی در فضای حقوقی باشد.

۵-۲-۳-۱. موانع و محدودیت‌های

قانون حاکم

قانون حاکم بر قراردادهای متاورس با چالش‌هایی مواجه است که به‌ویژه به مسائل امنیت داخلی و نظم عمومی کشور محل دادگاه مربوط می‌شود. این محدودیت‌ها نمی‌توانند نادیده گرفته شوند و در بسیاری از موارد، دادگاه‌ها باید به‌طور خاص به

زاده، طاهر، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۳۸۱-۳۸۲). در حقیقت، سازگاری با قواعد اخلاقی و اجتماعی به عنوان شرطی لازم برای اعتبار قانونی مطرح شده است. اگر قراردادی در خارج از کشور و یا در بستر متاورس منعقد شود و محتوای آن برخلاف اصول اخلاق حسنه یا نظم عمومی کشور ایران باشد، دادگاه‌های ایرانی از اجرای آن قرارداد خودداری خواهند کرد. به علاوه، یکی از قواعد اصولی حل تعارض، عدم اجرای قوانین بیگانه‌ای است که با اصول اخلاق حسنه یا نظم عمومی محل دادگاه در تضاد است (السان مصطفی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۰). بنابراین می‌توان گفت، نظم عمومی و اخلاق حسنه در تعیین قانون حاکم بر قراردادهای الکترونیکی در حقوق ایران ابعاد بسیار مهمی دارد. این اصول نه تنها بر اعتبار قراردادهای تأثیر می‌گذارند، بلکه ممکن است شرایطی را ایجاد کنند که اجرای برخی از قوانین خارجی یا محتوای قراردادهای الکترونیکی در ایران ناممکن گردد. در این راستا، آگاهی از این اصول به وکلای حقوقی و فعالان عرصه تجارت الکترونیکی کمک می‌کند تا با رعایت اصول اخلاقی و اجتماعی، از بروز مشکلات قانونی در آینده اجتناب کنند.

۵-۲-۳-۱-۲. اموال غیرمنقول

در طراحی ساختار قانونی برای اموال غیرمنقول، یکی از اصول اساسی در بسیاری از نظام‌های حقوقی این است که قراردادهای مرتبط با این نوع اموال تحت قواعد و قوانین کشور محل وقوع آنها داده می‌شوند. به عبارت دیگر، قانون حاکم بر این قراردادها به طور عمومی قانون محلی است که مال غیرمنقول در آنجا واقع شده است. این اصل به ویژه از آن رو حائز اهمیت است که ارتباط بسیار نزدیکی بین روابط حقوقی ناشی از این اموال و نظم و انضباط داخلی کشور محل وقوع وجود

که بر خلاف اخلاق حسنه و نظم عمومی هستند به موقع اجرا گذارد» (السان، مصطفی، ۱۳۹۲، ص ۱۵۸). این بدان معناست که هر پردازش یا اجرای قراردادهای باید مطابق با اصول اخلاقی و حقوقی جامعه باشد. بنابراین اگر قراردادی در دنیای متاورس منعقد شود و محتوای آن خلاف اصول اخلاق حسنه یا نظم عمومی کشور ایران باشد، دادگاه‌های ایرانی از اجرای این قرارداد خودداری خواهند کرد. در دنیای متاورس، این نکته به ویژه حایز اهمیت است، چرا که قراردادهای ممکن است بین افراد با ملیت‌های مختلف واقع شود و عدم آگاهی از قوانین و اصول اخلاقی مربوط به هر کشور موجب ایجاد مشکلات جدی برای طرفین قرارداد گردد (Irina, 2023, 15). بنابراین، فعالان در حوزه تجارت الکترونیکی و قراردادهای متاورس باید با این اصول به دقت آشنا باشند.

در حقوق ایران، سیاست‌های مشخصی در خصوص قراردادهای الکترونیکی نیز وجود دارد. به عنوان مثال، ماده ۵۸ قانون تجارت الکترونیکی ایران به صراحت اعلام می‌کند: «ذخیره، پردازش و یا توزیع داده پیام‌های شخصی بدون رضایت صریح افراد غیرقانونی است» (حبیب‌زاده، طاهر، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۳۸۰). این ماده نحوه تعامل با داده‌های شخصی را تحت نظارت و کنترل قوانین عمومی قرار می‌دهد و به عبارتی، تأکید بر ضرورت رعایت اخلاق حسنه و نظم عمومی در این بسترها دارد. به طور ویژه، ماده ۵۸ قانون تجارت الکترونیکی ایران تصریح می‌دارد که صرف رضایت افراد همچنین زمانی معتبر خواهد بود که محتوای داده پیام مطابق با قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی باشد. این موضوع بر اهمیت رعایت اصول قانونی و اخلاقی در ذخیره و پردازش داده‌های شخصی تأکید می‌کند (حبیب

و مستندات حقوقی به راحتی میسر شده است، اما همچنان باید قوانین مربوط به محل وقوع مال غیرمنقول در نظر گرفته شوند. این امر به نگهداری و تأمین حقوق قانونی طرفین در یک قرارداد کمک می‌کند. بنابراین، در تعیین قانون حاکم بر قراردادهای الکترونیکی که با اموال غیرمنقول ارتباط دارند، باید به این اصل توجه کرد که قانون کشور محل وقوع اموال باید حاکم باشد. شناخت دقیق محل وقوع این اموال به‌عنوان یک عامل کلیدی در فرآیند حقوقی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا می‌تواند بر حقوق، تکالیف و همچنین چارچوب قانونی موجود برای طرفین تأثیرگذار باشد.

در دنیای متاورس، جایی که فعالان اقتصادی باید با تحولات بی‌سابقه و محیط‌های دیجیتال مواجهه داشته باشند، توجه به اصول حقوقی مرتبط با اموال غیرمنقول و چگونگی تأثیر آن بر قراردادهای متاورس امری ضروری است. با این رویکرد، امیدواریم که حقوق‌دانان، وکلا و فعالان حقوقی در عرصه تجارت الکترونیکی بتوانند به‌خوبی از قوانین و اصول حاکم بهره‌برداری کنند و مشکلات قانونی احتمالی را مدیریت نمایند تا قراردادهای منعقد در متاورس از بالاترین امنیت و اعتبار برخوردار باشند.

۵-۲-۳-۱-۳. قرارداد تاجر- مصرف کننده (b2c)

در راستای ایجاد نظم حقوقی و تضمین حقوق طرفین در قراردادهای الکترونیکی، به‌ویژه در مواردی که تاجر و مصرف‌کنندگان نقش دارند، مسأله تعیین قانون حاکم بر قرارداد به‌عنوان یکی از جنبه‌های اساسی حقوق بین‌الملل خصوصی مطرح می‌شود. در این زمینه، اصل اولویت حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان بر قانون مورد توافق

دارد. حاکمیت قانون محل وقوع مال غیرمنقول به این مفهوم است که هرگاه قراردادی به طور مستقیم یا غیرمستقیم به اموال غیرمنقول یا حقوق ناشی از آنها مربوط باشد، باید قواعد و قوانین مربوط به آن کشور در نظر گرفته شود. به همین دلیل، قاعده اصلی در این زمینه این است که قراردادهای مربوط به اموال غیرمنقول بیشترین ارتباط را با محلی دارند که آن مال در آنجا واقع شده است (السان، مصطفی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۰). این نکته به ویژه در دنیای متاورس اهمیت پیدا می‌کند. به‌عنوان مثال، ممکن است یک قرارداد در متاورس به خرید و فروش ملک (یا دارایی‌های دیجیتالی مرتبط با آن) بپردازد و در اینجا ضروری است که دینامیک‌های حقوقی محل وقوع این دارایی‌ها روشن باشد.

مطابق با ماده ۹۶۶ قانون مدنی ایران، «تصرف، مالکیت و سایر حقوق مربوط به اشیاء غیرمنقول، تابع قانون محل وقوع آنهاست». این ماده به روشنی بیان می‌کند که هرگونه قرارداد الکترونیکی که با تصرف، مالکیت و سایر حقوق مرتبط با اموال غیرمنقول از جمله حق ارتفاع، انتفاع و رهن در ارتباط باشد، تحت قوانین کشور محل وقوع مال غیرمنقول قرار می‌گیرد. لذا، محل وقوع این اموال به راحتی قابل تعیین است، که خود بخشی از حساسیت‌های حقوقی در این زمینه را به تصویر می‌کشد (حبیب‌زاده، طاهر، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۳۸۳). با توجه به پیشرفت‌های تکنولوژیک و روند فزاینده‌ای که متاورس را به فضایی برای اطلاعات و دیتای بسیار متنوع تبدیل کرده است، قراردادهای الکترونیکی که به اموال غیرمنقول مرتبط می‌شوند، نیاز به تحلیل‌های حقوقی جدیدی دارند. در این قراردادها، به‌ویژه در دنیای دیجیتال امروز، امکان دسترسی به اطلاعات

میان طرفین تأکید می‌کند. در نظام حقوقی ایران، اگرچه ماده ۹ برنامه جامع توسعه تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۴ دولت را ملزم کرده بود تا الگوی قراردادی ویژه‌ای برای حل اختلافات در قراردادهای میان تاجر و مصرف‌کننده تدوین کند، متأسفانه تاکنون چنین قانونی به مرحله اجرا در نیامده است. به جای آن، مواد ۴۵ و ۴۶ قانون تجارت الکترونیکی نکاتی را در خصوص حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان در قراردادهای الکترونیکی ارائه می‌دهند. ماده ۴۵ تأسیس می‌کند که: «اجرای حقوق مصرف‌کننده به موجب این قانون نباید بر اساس سایر قوانینی که حمایت کمتری اعمال می‌کنند متوقف گردد» و ماده ۴۶ نیز شرایطی را برای عدم اعتبار شروط غیرمنصفانه در قراردادها، به ویژه آن دسته که به ضرر مصرف‌کننده است، تعیین می‌کند (مافی، همایون، ۱۳۹۲، ص ۱۷۲). با توجه به این مواد، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که قانون تجارت الکترونیکی ایران بر سایر مقررات حاکم اولویت دارد، به‌ویژه اگر حمایت‌های قانونی موجود در سایر قوانین کمتری نسبت به حمایت‌های مذکور در این قانون باشد.

مقررات اتحادیه اروپا نیز در این راستا به روشنی نشان می‌دهد که در قراردادهای B2C (تاجر به مصرف‌کننده) اراده طرفین باید محترم شمرده شود، اما نباید مصرف‌کننده از حمایت‌های لازم محروم گردد. (Chester, 2022, 475) کنوانسیون روم به‌وضوح بیان می‌کند که انتخاب قانون توسط طرفین نباید به ضرر مصرف‌کننده باشد و در صورت عدم توافق، قانون کشوری که مصرف‌کننده در آنجا اقامت دارد، حاکم خواهد بود (السان، مصطفی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۲). این رویکرد اتحادیه اروپا، مشابه مقررات قانون تجارت

الکترونیکی ایران است که قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان را در نظر می‌گیرد و در واقع می‌توان گفت که این دو نظام حقوقی به‌طرز قابل توجهی با یکدیگر هم‌راستا هستند.

با وجود اینکه طرفین قرارداد ممکن است قانونی را انتخاب کنند، اما این انتخاب وقتی معتبر است که حقوق مصرف‌کننده را به‌خوبی حفاظت کند. به‌عبارتی دیگر، اگر قانونی که طرفین انتخاب کرده‌اند، حفاظتی کمتر از قانون تجارت الکترونیکی به عمل آورد، آن قانون نادیده گرفته می‌شود. این مسئله در ماده ۴۵ قانون تجارت الکترونیکی ایران به‌وضوح توضیح داده شده و در واقع به نوعی به حمایت بیشتر از مصرف‌کنندگان اشاره می‌کند (مافی، همایون، ۱۳۹۲، ص ۱۷۱). در قراردادهای الکترونیکی، محل انعقاد قرارداد به تعیین قانون حاکم اهمیت بسزایی دارد. برای مثال، در حقوق ایران، ماده ۹۶۸ قانون مدنی بیان می‌کند که قانون حاکم بر قرارداد باید به متن آن و محل وقوع عقد مرتبط باشد. مطابق با قانون تجارت الکترونیکی، محل ارسال قبولی به‌عنوان طراحی قانونی اصلی در تعیین محل انعقاد این نوع قراردادها مهم است (شهبازی شیرین؛ خردمندی، سعید، ۱۳۹۴، ص ۱۶۸). محل ارسال، زمانی تعیین می‌شود که پذیرش از سمت سیستم رایانه‌ای قبول‌کننده خارج شود. لذا، مکان قانون محل اقامت این شخص معیار مهمی است، به‌ویژه در مواقعی که خودکار بوروکراسی دیجیتال شکل می‌گیرد (مواد ۲۶ و ۲۹ قانون تجارت الکترونیکی). در دنیای متاورس، این موضوع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این فضا، جایی که قراردادهای الکترونیکی به‌سرعت و به‌راحتی منعقد می‌شوند، تعیین محل دقیق توافق و تشخیص قانون حاکم بر قرارداد می‌تواند بر حقوق و تکالیف طرفین

چالش‌ها و الزامات تعیین مکان در قراردادهای متاورس با توجه به قوانین تجارت الکترونیک پرداخته است. در دنیای متاورس، قراردادهای بدون حضور فیزیکی طرفین و غالباً بین افراد با ملیت‌های مختلف منعقد می‌شوند. این امر نیاز به درک عمیق و صحیح از محل و زمان انعقاد قراردادها را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. با توجه به مواد قانونی موجود، به‌ویژه ماده ۲۹ قانون تجارت الکترونیکی ایران و قوانین بین‌المللی، مکان ارسال و دریافت داده‌های پیام، به‌عنوان اساس تعیین مکان انعقاد قرارداد، برآورده می‌شود. همچنین، مسأله «نظم عمومی» و «اخلاق حسنه» به‌عنوان الزامات کلیدی در تعیین اعتبار قراردادهای اهمیت ویژه‌ای دارد. به‌ویژه در قراردادهای مرتبط با اموال غیرمنقول و قراردادهای تجاری- مصرف‌کننده (B2C)، توجه به این الزامات به حفظ حقوق قانونی همه طرف‌ها کمک می‌کند. با این حال، چالش‌های متعددی در راه تعیین مکان در قراردادهای متاورس وجود دارد. عدم وجود قوانین روشن و جامع در این زمینه، ضرورت اتخاذ تدابیر قانونی و اصلاحات جدی در نظام حقوقی را نمایان می‌سازد. همچنین، در شرایط کنونی، فعالان حوزه تجارت الکترونیکی باید با توجه به چالش‌های حقوقی احتمالی، قواعد و اصول مربوط به تعیین محل قراردادهای متاورس را به‌دقت رعایت کنند.

در حال حاضر قواعد تجارت الکترونیک موجود پاسخگوی تمام نیازهای این سیستم از انجام معاملات نیست و بنابراین پیشنهاد می‌گردد که قواعد جدید، کامل و کارآمدی در این زمینه نگارش گردد. پیشرفت سریع و گاهی اوقات باورنکردنی دستگاه‌های الکترونیکی و فناوری‌های مربوط به آن‌ها، نیازهای تازه‌ای را در جوامع مختلف به وجود آورده که باید به آن‌ها پاسخ داده

تأثیرگذار باشد. همچنین، در مواردی که قرارداد در متاورس به‌گونه‌ای طراحی شده که مصرف‌کنندگانی از کشورهای مختلف به آن دسترسی دارند، باید اطمینان حاصل شود که حقوق مصرف‌کننده به‌خوبی حفظ می‌شود. (Rosenberg, 2022, 7-8).

با توجه به مباحث مطرح شده، به‌نظر می‌رسد که در نظام حقوقی ایران و مطابق با قوانین موجود، هنوز به حد کافی در زمینه تعیین قانون حاکم بر قراردادهای دیجیتال، به‌ویژه در رابطه با حقوق مصرف‌کنندگان، شفافیت وجود ندارد. این مسأله ممکن است به عدم حمایت از مصرف‌کنندگان منجر شود و لازم است که قانون‌گذاران با سرعت بیشتری به تدوین قوانین معتبر پرداخته و مصرف‌کنندگان را از کاستی‌های موجود مستثنا سازند. در قراردادهای الکترونیکی میان تجار و مصرف‌کنندگان باید حتماً حقوق مصرف‌کننده مد نظر قرار گیرد و در صورتی که قانون منتخب مصرف‌کننده کمتر از قانون تجارت الکترونیکی ایران حمایت کند، این قوانین حاکم خواهند بود. در دنیای متاورس، این اصول و الزامات باید با دقت اجرا شود تا از بروز مشکلات حقوقی و تضییق بر حقوق مصرف‌کنندگان جلوگیری شود. به همین دلیل، حفاظت از حقوق مصرف‌کنندگان و تعیین صحیح محل انعقاد قرارداد اهمیت حیاتی دارد که نه‌تنها بر قابلیت اعتماد به محیط تجاری متاورس بلکه بر تعهدات قانونی و اخلاقی تجار نیز تأثیر می‌گذارد.

۶. نتیجه

در عصر دیجیتال و با ورود به فضای متاورس، مفهوم تعیین مکان در قراردادهای الکترونیکی با چالش‌های جدید و جنبه‌های پیچیده‌ای روبه‌رو شده است. این مقاله به بررسی ابعاد اساسی این

شود. به همین دلیل، حمایت قانونی برای تنظیم روابط اجتماعی در این خصوص و جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی ضرورت دارد. با پیشرفت اینترنت قانون‌گذاران باید نسبت به تصویب قوانین جامع و فراگیر اهتمام ورزند تا تمام نیازهای این حوزه را پوشش دهند. در مواردی که قوانین و مقررات موجود شفاف نبوده و پاسخگوی نیازها نباشند، طرفین قرارداد مجبور خواهند شد نکات زیادی را در قراردادهای خود ذکر کنند که این امر ممکن است منجر به ایجاد قراردادهای طولانی و حجیم شود. با توجه به این که سرعت در دنیای امروز حرف اول را می‌زند، ضروری است که قوانین و مقرراتی شفاف، صریح و جامع تدوین شود که منجر به انعقاد قراردادهای کوتاه و مؤثر گردد. همچنین، باید توجه داشت که قراردادهای حجیم و طولانی می‌توانند پیچیدگی‌هایی را ایجاد کنند که برای دستگاه‌های قضایی و قضات مشکل‌ساز و وقت‌گیر باشد. آشکار است که تجارت الکترونیکی باید بر اساس اصول ایجاب و قبول بنا گردد و به همین دلیل، توجه به اعتبار ایجاب و قبولی الکترونیکی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار استبدین منظور، پیشنهاد می‌شود که ماده‌ای اضافه گردد تا به‌طور مشخص اعتبار ایجاب و قبولی الکترونیکی را در قانون تجارت الکترونیکی ایران به رسمیت بشناسد. همچنین، برای مشخص کردن زمان و مکان قراردادهای الکترونیکی، قانون‌گذار باید ارائه رویکردهای جدیدی را در این زمینه مدنظر قرار دهد تا از بروز مشکلات حقوقی جلوگیری شود.

اجرای کنوانسیون‌های بین‌المللی، نظیر کنوانسیون ارتباطات الکترونیکی، به‌ویژه در زمینه معاملات متاورس و قراردادهای الکترونیکی، بسیار ضروری است. پیوستن ایران به این کنوانسیون‌ها،

نه تنها به شفاف‌سازی وضعیت حقوقی این قراردادهای کمک خواهد کرد، به طور کلی، قوانین تجارت الکترونیکی باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که بتوانند پاسخگوی نیازهای متغیر دنیای دیجیتال باشند و به حفظ حقوق تمامی طرف‌ها کمک کنند. تنها به این ترتیب، ایران می‌تواند به عنوان یک کشور با پتانسیل بالا در عرصه تجارت الکترونیک و متاورس شناخته شود و از مزایای اقتصادی این تحولات بهره‌مند گردد. راه حل دیگر ایجاد یک چارچوب قضایی شفاف و حل اختلاف است تا اطمینان حاصل شود که اختلافات حقوقی که در متاورس رخ می‌دهند، بتوانند به طور مؤثر رسیدگی شوند. این چارچوب قضایی باید در کنار به‌روزرسانی قوانین مربوط به تعیین مکان در قراردادهای الکترونیکی، امکان رسیدگی به دعاوی ناشی از تفاوت‌های حقوقی میان نظام‌های قضایی مختلف را نیز فراهم کند. در واقع، به‌روز رسانی قوانین و مقررات برای تعیین محل و زمان انعقاد قراردادها می‌تواند به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی در ایجاد چارچوب قضایی مناسب در دنیای متاورس عمل کند تا از صحت و اعتبار روابط تجاری بین‌المللی حمایت کند.

۷. سهم نویسندگان

نگارش متن توسط نویسندگان و نظارت علمی و اصلاحات نهایی توسط نویسنده مسئول صورت گرفت.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

منابع فارسی

- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادها، جلد ۱، چاپ یازدهم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۲.
- کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، تهران، نشر میزان، چاپ سی و پنجم، ۱۳۹۱.
- حبیب‌زاده، طاهر، حقوق فناوری اطلاعات، دادگاه صلح و قانون حاکم در بستر قراردادهای الکترونیک، جلد ۳، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰.
- حبیب‌زاده، طاهر، حقوق فناوری اطلاعات، حقوق قراردادها در گستره قراردادهای الکترونیک (مطالعه تطبیقی)، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، جلد ۲، ۱۳۹۰.
- شهبازی، شیرین؛ خردمندی، سعید. پایان‌نامه بررسی نحوه تعیین زمان و مکان وقوع عقد در قراردادهای الکترونیک در حقوق ایران و قانون آنسیترال، ۱۳۹۲.
- مافی، همایون، کویار، حسین، بررسی تطبیقی قانون حاکم بر قراردادهای الکترونیک منعقد در محیط اینترنت از منظر نظام‌های حقوقی آمریکا، اتحادیه اروپا و ایران، مجله مطالعات حقوقی تطبیقی، دوره ۴، شماره ۱، ۱۳۹۲.
- السان، مصطفی، بررسی نحوه تعیین قانون حاکم بر قراردادهای الکترونیک، تهران، انتشارات مرکز پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۹۲.
- محمدی، مرتضی، «انعقاد قراردادهای الکترونیک مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و کنوانسیون ۲۰۰۵ ژنو»، رساله دکتری با راهنمایی عبدالحسین شیروی، دانشگاه تهران (مجمع آموزش عالی قم)، ۱۳۸۹.
- قیاسی فر، حمید؛ پورقصاب امیری، علی؛ رحمانی، محمد، «قراردادهای هوشمند در حوزه بلاک چین»، تهران، انتشارات امجد، ۱۴۰۳.
- لینان دبلفون، زویسه، حقوق تجارت الکترونیک همراه با تحلیل قانون تجارت الکترونیک ایران، ترجمه دکتر ستار زر کلام، تهران، شهر دانش (موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش)، چاپ چهارم، ۱۳۹۶.
- شهیدی، مهدی، «تشکیل قراردادها و تعهدات»، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۶.
- غضنفری، هنگامه و ملکی، زینب، «مکان قرارداد در قراردادهای الکترونیک و آثار ناشی از آن»، مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، ۱۴۰۰.

منابع لاتین

- Lam, K. Y., Yang, L., Alhilal, A., Lee, L.-H., Tyson, G., & Hui, P. (2024). *Human-Avatar Interaction in Metaverse: Framework for Full-body Interaction*. The Hong Kong University of Science and Technology. Retrieved from <https://arxiv.org/html/2409.00615v1>
- Maria Kalyvaki. "Navigating the Metaverse Business and Legal Challenges: Intellectual Property, Privacy, and Jurisdiction." *Journal of Metaverse*, vol. 3, no. 1, 2023, pp. 87-92.
- Ning, H., Wang, H., Lin, Y., Wang, W., Dhelim, S., Farha, F., Ding, J., & Daneshmand, M. (2021). *A Survey on Metaverse: The State-of-the-art, Technologies, Applications, and Challenges*. ArXiv. <https://doi.org/10.1007/s11846-024-00741-5>
- Rosenberg, Louis B.. "Regulation of the Metaverse: A Roadmap. The Risks and Regulatory Solutions for Large-Scale Consumer Platforms." 6th International Conference on Virtual and Augmented Reality Simulations (ICVARS 2022), March 25-27, 2022, Brisbane, Australia. DOI: <https://doi.org/10.1145/3546607.3546611>.
- Akour, I. A., Al-Marouf, R. S., Alfaisal, R., & Salloum, S. A. (2024). *A conceptual framework for determining metaverse adoption in higher institutions of gulf area: An empirical study using hybrid SEM-ANN approach*. *Journal of Computing and Information Technology*, 32(1), 1-15 .
- Biasi, Marco, Murgo, Michele. "The Virtual Space of the Metaverse and the Fiddly Identification of the Applicable Labor Law." *Italian Labour Law e-Journal*, vol. 16, no. 1, 2023. 1-XX.
- Chester, Ben Cheong. "Avatars in the Metaverse: Potential Legal Issues and Remedies." *International Cybersecurity Law Review*, vol. 3, 2022, pp. 467–494.
- Goldberg, M., Kugler, P., & Schär, F. (2024). *Land valuation in the metaverse: location matters*. Journal of Economic Geography, University of Basel, Faculty of Business and Economics, 4052 Basel, Switzerland. E-mail: mitchell.goldberg@unibas.ch .
- Irina A. Filipova. "Creating the Metaverse: Consequences for Economy, Society, and Law." *Journal of Digital Technologies and Law*, 2023. DOI: <https://doi.org/10.21202/jdtl.2023.1>.

